

اسلام‌گرایی در مصر؛ پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر

یعقوب توکلی، اسلام‌گرایی در مصر؛ پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر، تهران: انتشارات سوره مهر، چاپ دوم، ۱۳۸۸، ۲۰۸ صفحه.

سید عبدالامیر نبوی

استادیار پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی

سیاسی و اقتصادی، و نیز محافظه‌کاری نهادها و گروه‌های مذهبی سنتی مانع از این امر مهم شده است. بنابراین برای رفع مشکلات گوناگون، چاره‌ای نیست جز بازگشت به اسلام اصیل و تلاش برای اجرای کامل شریعت، و البته این امر به معنای درگیری هم‌زمان در دو جبهه بود: از یک سو با نظام سیاسی و نخبگان حاکم که فاقد مشروعیت و مانع اجرای شریعت دانسته می‌شدند، و از سوی دیگر با نهادها و گروه‌های مذهبی سنتی که انحصارگرا، ناکارآمد و حتی وابسته تلقی می‌شدند.

از جمله این گروه‌ها که شهرت زیادی در تاریخ اسلام‌گرایی منطقه دارد، سازمان جهاد اسلامی مصر است که توسط محمد عبدالسلام فرج بنیانگذاری شد. در واقع، پیدایی این سازمان مرحله مهمی از اسلام‌گرایی، چه به لحاظ فکری و چه به لحاظ عملی، در مصر و منطقه را رقم زد. عمده شهرت الجهاد به دو نقطه عطف بر می‌گردد:

نخست، نگارش کتاب الفریضه الغائبه توسط رهبر سازمان که طی آن استدلال شده بود بی‌توجهی به اصل مبنایی «جهاد» سبب

به دنبال اوج‌گیری فعالیتهای اسلام‌گرایانه، از اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی، گروه‌های سیاسی و اجتماعی متعددی در خاورمیانه پدیدار شدند که می‌کوشیدند کامل بودن اسلام را در عمل نشان دهند، از این رو به سرعت اسلام‌گرا، بنیادگرا و یا سلفی نام گرفتند. از دید این گروه‌ها، اسلام مجموعه‌ای کامل از احکام و دستورات است که به تمامی نیازهای بشری پاسخ می‌دهد و سعادت انسان را در همه ابعاد ضمانت می‌کند، منتها وابستگی حکومتها و نخبگان

انحطاط شده است و برای احیای اسلام و جوامع اسلامی چاره ای جز بازگشت به این اصل نیست. ضمن آنکه اثرپذیری فرج از مباحث ابن تیمیه و سید قطب روشن است، تلاش وی در جهت عرضه راهبردی اسلامی برای مبارزه و مفهوم سازی در این زمینه، سبب شد کتابش به سرعت مورد توجه اسلام گرایان رادیکال قرار گیرد. نکته اساسی آنکه با گذشت زمان، شیوه عمل گروه‌هایی مانند الجهاد برای در دست گرفتن قدرت سیاسی و نحوه تقابل با جریانهای منتقد یا مخالف، نشان داد که این گروه‌ها - حتی در یک کشور - همگن و یک دست نیستند و نمی توان همه را ذیل عنوان اسلام گرا، بنیادگرا یا سلفی جای داد. از اینجا بود که ضرورت نام گذاریهای دقیق تر احساس شد و واژگانی چون رادیکال، تکفیری و جهادی برای این دسته از فعالیتهای اسلام گرایانه رایج گردید.

دوم، ترور موفقیت آمیز سادات، رئیس جمهور، در ۶ اکتبر ۱۹۸۱ و سپس شورش اسیوط در ۸ اکتبر که سبب شد کنترل شهر برای مدت کوتاهی در دست گرفته شود. این وقایع، ارکان نظام سیاسی مصر را به لرزه درآورد و میزان نارضایتی از سیاستهای حاکم بر مصر و منطقه را بیش از پیش آشکار کرد.

الجهاد در سالهای بعد، اقدامات دیگری نیز انجام داد؛ مانند: ترور عاطف صدقی (نخست وزیر) و حسن الفی (وزیر کشور) در سال ۱۹۹۳ که هر دو ناموفق بود، و یا انفجار سفارت مصر در پاکستان در سال ۱۹۹۷ که ۱۷ کشته برجای گذاشت. مهم ترین مرحله در حیات سازمان جهاد اسلامی در سال ۱۹۹۸ رقم خورد که ایمن الظواهری تصمیم گرفت به جبهه جهانی اسلام علیه یهودیان و صلیبیون وارد شود و در نهایت این سازمان را در القاعده - به رهبری بن لادن - ادغام کند.

این مقدمه طولانی بیانگر اهمیت هرگونه پژوهش و مطالعه ای است که درباره تجربه اسلام گرایی در مصر، به طور عام، و فعالیتهای سازمان جهاد اسلامی، به طور خاص، صورت گیرد. اسلام گرایی در مصر؛ پژوهشی در تفکر و عملکرد جماعت اسلامی مصر نام کتابی است که چاپ دوم آن - با تغییراتی - به تازگی منتشر شده و حاوی داده ها و تحلیلهایی درباره ترور سادات و

ریشه‌های این اقدام است. پیش از هر چیز باید یادآور شد، نویسنده دو گروه الجهاد و الجماعه الاسلامیه را یکی انگاشته و توضیح داده است «گروهی که توسط رژیم جماعه الجهاد نامیده شدند، در آن تاریخ وجود خارجی نداشت و سالها بعد توسط دکتر ایمن الظواهری تشکیل شد و عنوانی انحرافی و تبلیغی علیه جماعه الاسلامیه بوده است.» (ص ۲۰) از این رو، وی فعالیت‌هایی چون نگارش الفریضه الغائبه یا ترور سادات را متعلق به جماعت اسلامی می‌داند؛ نکته‌ای که درباره آن به تفصیل سخن خواهیم گفت. بنابراین مطالبی که در مقدمه ذکر شد و کتاب حاضر، هر دو، به یک پدیده اشاره دارند.

«پیشگفتار» کتاب شامل توضیح کوتاهی درباره جریان اسلام‌گرایی است و اینکه تحلیل آن «در صورتی به نتیجه می‌رسد که درک درستی از فطرت، آرمانها و مسئولیت‌های انسان در برابر خداوند و همچنین مجموعه اعتقادات و فلسفه زندگی به دست آید.» در نتیجه، تحلیل این پدیده «با تکیه صرف بر قواعد جامعه شناختی و یا تحلیل مسائل سیاسی با دیدگاه ماتریالیستی

و یا غیر دینی به هیچ روی کافی و کامل نخواهد بود.» (ص ۸) شرایط کلی جوامع اسلامی و مصر در یک قرن اخیر، موضوع محوری بخشهای «مدخل تحلیلی» و «شرایط نوین بازخیزی اسلامی در مصر» قرار گرفته و طی آن به چهار بحران اساسی هویت، مشروعیت، اخلاقی و اقتصادی اشاره شده است. بخش «تبلور قیام» به جریان ترور سادات و اهمیت آن تمرکز می‌کند، هر چند این موضوع در ادامه بخش «سه شنبه ششم اکتبر، روز عملیات»- به تفصیل مورد بررسی قرار گرفته است. عنوان بخش بعدی «تشکلهای اسلامی در مصر» است که طی آن، از ۵ گروه نام برده شده است: اخوان المسلمین، سلفیها، جماعه انصار السنه و جمعیه الشریعه، صوفیها، و موسسه الازهر و اوقاف. این بخش دو صفحه‌ای که اتفاقاً اهمیت فراوانی در هر مطالعه‌ای از این دست دارد، ابهامات و پرسشهای بی پاسخ زیادی را در پی می‌آورد؛ مانند آنکه ملاک و معیار این تقسیم‌بندی چیست؟ چرا و چگونه الازهر و صوفیها به عنوان گروه یا تشکل در کنار اخوان قرار گرفته‌اند؟ چرا سلفیها از اخوان تفکیک شده‌اند، حال آنکه حسن البنا دعوت

خود را «دعوت سلفی» نامیده بود؟ در واقع، این تقسیم بندی نشان می دهد که مباحث کتاب بر مبنایی مغشوش شکل گرفته است. «تاریخچه تشکیل سازمان جماعت اسلامی» عنوان بخش بعدی است که نویسنده در آن، به طور مشخص، به نمونه مطالعاتی متمرکز می شود. بر این اساس، جماعت اسلامی - که ابتدا اتجاه الصعید شناخته می شد - انشعابی از اخوان بود. در همین زمان، محمد عبدالسلام فرج که قبلاً عضو سازمان الجهاد به رهبری محمد سالم الرحال بود، گروهی جدید را گرد آورد و به تعلیم آنان پرداخت. آشنایی فرج با کرم زهدی، از رهبران جماعت اسلامی، در سال ۱۹۷۹ زمینه را برای ادغام دو گروه فراهم کرد. با ادغام دو گروه (۱۹۸۰)، مجلس شورای جماعت با ۱۳ عضو تشکیل و شیخ عمر عبدالرحمن به عنوان مرشد دینی انتخاب گردید. در بخش «زمینه های قیام» نیز فعالیتهای سازمان الجهاد به رهبری الرحال به صورت گذرا مورد اشاره قرار گرفته و در نهایت برنامه ریزیهای صورت گرفته برای ترور سادات توضیح داده شده است.

زندگی چهار عضو گروه ترور سادات، اوضاع نابسامان مصر در ماههای آخر حیات سادات، و روند انتخاب حسنی مبارک به جانشینی در بخشهای بعدی مورد توجه واقع شده است. شاید جذاب ترین بخش کتاب، ترجمه متن بازجوییها و محاکمات خالد اسلامبولی، محمد عبدالسلام فرج و شیخ عمر عبدالرحمن است که با استفاده از منابع عربی تنظیم شده است و طی آن پیشینه فعالان ماجرای ترور سادات، روند این اقدام و دلایل شرعی آن به تفصیل روشن می شود. در پایان کتاب هم تصویر وصیت نامه خالد اسلامبولی و عبدالحمید عبدالسلام و همچنین چند عکس مربوط به صحنه ترور سادات آمده است.

ارزیابی کتاب

چاپ دوم کتاب اسلام گرایی در مصر در سال ۱۳۸۸ منتشر شده است. مروری بر شکل و محتوای آن نشان می دهد که در مقایسه با چاپ اول (۱۳۷۳) دو تغییر صورت گرفته است: نخست آنکه، متن جدید به لحاظ ادبی ویراستاری شده است؛ دوم آنکه، در بخش «اسناد و عکسها» تصاویر جدید و بیشتری مورد استفاده قرار گرفته و به ویژه

عکسها با کیفیت بهتری چاپ شده است. در عین حال، عدم تغییر محتوا نشانگر آن است که به بررسی و احتمالاً تغییر برخی داده‌ها یا تحلیلها احساس نیاز نشده است. به هر صورت، کتاب دارای ویژگیها و البته اشکالاتی است که نقد و ارزیابی آن را ضروری می‌سازد.

شاید مهم‌ترین ویژگی کتاب، توجه نویسنده به ترور سادات؛ یعنی یکی از رویدادهای بسیار مهم و اثرگذار منطقه‌ای است که با نام اسلام‌گرایی پیوند خورده است، اما درباره جزئیات آن اطلاعات کافی به زبان فارسی موجود نیست. در واقع، اطلاعات کتاب می‌تواند بخشی از کاستی موجود در آثار فارسی را بپوشاند. همچنین بایستی به دلبستگی نویسنده به موضوع مورد مطالعه اشاره کرد که در جای جای مباحث کتاب مشهود است، به گونه‌ای که گاه به داوری و سوگیری آشکار می‌انجامد و البته همین امر گاه به یک نقطه ضعف تبدیل می‌شود. در نهایت، نثر روان این نوشته، نکته دیگری است که نمی‌توان از آن چشم پوشید و آن را به عنوان یک نقطه قوت ذکر نکرد. در کنار ویژگیهای یاد شده، به نظر

می‌رسد برخی اشکالات و کاستیها بازبینی شکلی و محتوایی این اثر را ضروری می‌کند و حتی فوریت می‌بخشد.

الف. شکلی

۱. با توجه به تمرکز موضوعی کتاب (ترور سادات و ابعاد آن)، بهتر است نام دیگری برای آن انتخاب شود تا نام با محتوا تطبیق داشته باشد. توضیح آنکه عنوانهای اصلی و فرعی هیچ یک ارتباط مستقیمی با محتوای کتاب ندارد؛ نه اسلام‌گرایی مصری در جماعت اسلامی این کشور خلاصه شده است، و نه فعالیت‌های جماعت اسلامی به ترور سادات منحصر می‌گردد.

۲. نویسنده مطالب مورد نظر خود را ذیل ۱۶ عنوان سازماندهی کرده است که با توجه به حجم اندک کتاب، این تعداد زیاد به نظر می‌رسد. از این رو بازنگری در عناوین و فصل‌بندی مجدد آن می‌تواند اهمیت کتاب را به گونه‌ای مناسب تر نشان دهد.

۳. شیوه ارجاع دهی مناسبی با یک اثر پژوهشی ندارد، به ویژه بخشهای پایانی کتاب (جزئیات ترور و محاکمات) که همگی حالت ترجمه‌ای دارد.

ب. محتوایی

۱. مباحث تئوریک ابتدای کتاب مبتنی بر دیدگاههای دکمجیان و کپل است، بدون آنکه حتی از داده های آثار آن دو به درستی استفاده شود و یا به نتایج و استلزامات تئوریک دیدگاه های آنها توجهی گردد. از این رو بهره گیری مناسب از آثار تئوریک مربوط به اسلام گرایی می تواند موجب تقویت چارچوب پژوهشی شود.
 ۲. چنانکه قبلا گفته شد، تقسیم بندی نویسنده از جریانها و گروههای اسلام گرا در مصر کاملا مغشوش است و نمی تواند تصویر درستی از وضعیت جامعه مصر ارائه دهد. حتی اگر مفهوم سازیهها و تقسیم بندیهای دکمجیان و کپل در دستور کار قرار می گرفت، تقسیم بندی نویسنده دقیق می شد و ملاک و اعتباری پیدا می کرد.
 ۳. پیش تر وعده داده شده بود درباره دو گروه جماعت اسلامی مصر و سازمان الجهاد مصر توضیحی آورده شود. ارائه این توضیح لازم است چون یکی انگاشتن دو گروه توسط نویسنده، خطای تاریخی فاحشی است که بر کل کتاب سایه انداخته و نشان می دهد که حتی معدود منابع کتاب نیز به درستی مطالعه نشده است.
- جماعات الاسلامیه، انجمنهای اسلامی در دانشگاهها بودند که پس از شکست ۱۹۶۷ پدیدار شدند، در دوره سادات قدرت زیادی یافتند و علیه تسلط چپگرایان و ناصریستها در دانشگاهها فعالیت می کردند. جماعات در اواخر دوره ریاست جمهوری سادات تحت فشار قرار گرفتند، چون در پی سفر سادات به اسرائیل اعتراض آنها به دولت آغاز شد. فشارهای دولت به جماعات چنان شدت گرفت که بالاخره فرمان انحلال آنها در سپتامبر ۱۹۸۱ صادر گردید. بنابراین شکل گیری جماعات به سال ۱۹۷۸ (طبق نظر نویسنده) بر نمی گردد.
- در مورد الجهاد نیز باید گفت که جهاد اسلامی اول در سال ۱۹۷۵ توسط احمد صالح عامر و جهاد اسلامی دوم در سال ۱۹۷۹ به رهبری صالح المغربی تشکیل شد و هر دو هم به سرعت شناسایی و سرکوب گردید. جهاد اسلامی سوم با تلاش محمد عبدالسلام فرج پدید آمد که از بقایای سازمان آزادیبخش اسلامی یا همان گروه آکادمی ارتش به شمار می رفت و همچون چند

حرکت پیشین، به دنبال کسب سریع قدرت سیاسی از طریق خشونت آمیز بود. در سال ۱۹۸۰ فرج با زهدی، رهبر جماعات الاسلامیه، چندبار دیدار کرد تا در مورد هماهنگی اقدامات به توافق برسند. در این دیدارها در حالی که فرج می کوشید ثابت کند توسل به جهاد برای استقرار حکومت اسلامی ضروری است، زهدی معتقد بود که باید علیه قبطیان دست به کار شد زیرا آنان رئیس جمهور را به گروگان گرفته اند. در نهایت، آن دو در ژانویه ۱۹۸۰ درباره ادغام به توافق رسیدند و قرار شد نام گروه جماعه الاسلامیه، مفتی آن شیخ عمر عبدالرحمن و ریاست مجلس شورا با فرج باشد. در ژوئیه یا اوت ۱۹۸۱ هم بقایای گروه تحت فرمان محمد سالم الرحال - که اصلیت اردنی داشت - به این گروه تازه تاسیس پیوست. تجربه تشکیلاتی فرج و همزمانش در جهاد سبب شد شکله گروه جدید کاملا تحت تاثیر آنان باشد و رهبران جماعت اسلامی عملا در رده های میانی و پایین تشکیلات جدید جای گیرند. البته این اتحاد عمر طولانی نداشت و اختلاف نظرهای فزاینده موجب شد در سال ۱۹۸۳ تجزیه صورت گیرد و بار دیگر دو گروه مستقل جهاد و جماعت اسلامی سر برآورند. از این زمان است که ایمن الظواهری به عنوان یکی از رهبران جهاد شناخته شد.

به هر صورت، این ادغام و سپس افتراق باعث شده است که در مورد عامل واقعه ترور سادات اختلاف نظر پیش آید؛ در حالی که تقریبا تمامی تحلیلگران، سازمان جهاد را به واسطه نقش فرج، عبود الزمر و خالد اسلامبولی در برنامه ریزی و اجرا عامل ترور می دانند، طلعت فواد قاسم، سخنگوی اسبق جماعت اسلامی، طی مصاحبه ای در سال ۱۹۹۵ عملیات ترور را به جماعت اسلامی نسبت داد و اساسا منکر وجود سازمانی به نام جهاد شد. این نکات نشان می دهد که تاریخچه فعالیتها و عملکرد جهاد و جماعه الاسلامیه چنان نبوده که در این کتاب فرض و بیان شده است.

در پایان، ممکن است این اشکال طرح شود که اگر کتابی این همه اشکال محتوایی و کاستی شکلی دارد، چه نیازی به معرفی و نقد آن هست؟ چنانچه کتاب یاد شده نمی تواند مبنا و منبع مناسبی برای پژوهشهای بعدی باشد، چرا بررسی آن مورد

توجه قرار گرفته است؟

الجهاد و جماعت اسلامی مصر نادیده گرفته

در پاسخ به این اشکال باید یادآور شد
در زمینه جریانهای گوناگون اسلام گرا در
مصر، به خصوص ریشه های تاریخی و
تحولات فکری این جریانها، منابع چندانی به
زبان فارسی وجود ندارد. در نتیجه، هر اثری
در این موضوع به سرعت مورد استناد قرار
می گیرد و داده ها و تحلیلهای آن مبنایی
برای مطالعات بعدی می شود. حال، نگرانی
آن است که کتاب یادشده که عنوان
«پژوهش» نیز روی جلدش درج شده است، به
عنوان منبعی برای تحلیل اسلام گرایی در
مصر یا سازمان جهاد اسلامی آن کشور
درآید. این نگرانی که برخاسته از واقعیتی
تلخ (کمبود منابع تحلیلی درباره روند
اسلام گرایی در مصر) است، سبب می شود
بررسی و معرفی آثار ضعیف به همان اندازه
بررسی و معرفی آثار جدی و روشمند فوریت
پیدا کند. در واقع، داده ها و اطلاعات کتاب
درباره جزئیات ترور سادات و دفاعیات فعالان
این اقدام در دادگاه نظامی جالب توجه است
و می تواند دستمایه بررسیها و پژوهشهای
بیشتر قرار گیرد، اما نه به آن اندازه که ضعف
تحلیل و خطاهای فاحش تاریخی درباره

خلافت و حکومت

مردم

امپراطوری اسلامی در قالب خلافت عثمانی

نیز هست؛ خلافتی که دامنه آن تا میانه قاره

آفریقا نیز کشیده شده بود. جدا از این که امر

سیاسی و امر نظامی، از مهم ترین عوامل

ضعف و شکست این خلافت شد، بی وجه

نخواهد بود اگر گفته شود که پایان این

خلافت، حکایت از نوعی کشمکش عریان و

آشکار میان دو دین اسلام و مسیحیت نیز بود.

در همین زمانه و در حالی که

مسلمانان نیم نگاهی از سر حسرت به

توسعه ها و توسعه طلبیهای غرب داشتند،

عده ای از آنان، راه رفته غرب در جدایی دین

از حوزه خصوصی و سیاسی را متغیری بس

مهم دانستند و به تبلیغ آن پرداختند. رساله

«الخلافة و سلطه الامه» که در سال ۱۹۲۲

توسط بعضی از اعضای مجلس ملی ترکیه

تدوین و منتشر شد، از جمله این تألیفات

است که به طور صریح و رسمی از ایده

سکولاریسم در جهان اسلام دفاع و حمایت

کرد. طبیعی است که تألیف این اثر در آن

دوران، توجه زیادی را به خود جلب کند. تنها

بعد از سه سال از نشر این کتاب بود که (در

سال ۱۹۲۵) علی عبدالرازق کتاب الاسلام و

اصول الحکم را در دفاع از سکولاریسم و

المجلس الوطنی، الخلافة و سلطه الامه، الترجمة:

عبدالغنی سنی بک، القاہرہ: الناشر: غیرمعروف،

۱۹۹۲، ۱۷۷ صفحه.

مر نضی بحرانی

استادیار پژوهشکده مطالعات

فرهنگی و اجتماعی

مقدمه

دغدغه رابطه حکومت با دین، قدمتی

بس طولانی دارد. قاعده «الملک و الدین

توأمان» که به دوقلو بودن دین و دولت اشاره

دارد، از دیرباز، انعکاسی از این نگرانی بوده

است که «حکومت جز به دین استوار نشود و

دین جز به حکومت پایدار نماند». بررسی این

روند، در عصر حاضر ما را با تألیفاتی چند

مواجه می کند که در دوره ای خاص ظهور و

بسط پیدا کرده اند. این دوره را می توان

دوران مواجهه سیاسی کشورهای اسلامی با

پدیده غرب پیشرفته نامید. دوره ای که ظهور

جنگهای جهانی، نشانه ای بس سترگ از آن

است. پایان جنگ جهانی اول، به نوعی پایان